

[Afghanistan Digital Library](http://hdl.handle.net/2333.1/x0k6dm1j)

adl0968

<http://hdl.handle.net/2333.1/x0k6dm1j>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

از نشرات روزنامه ملی انیس

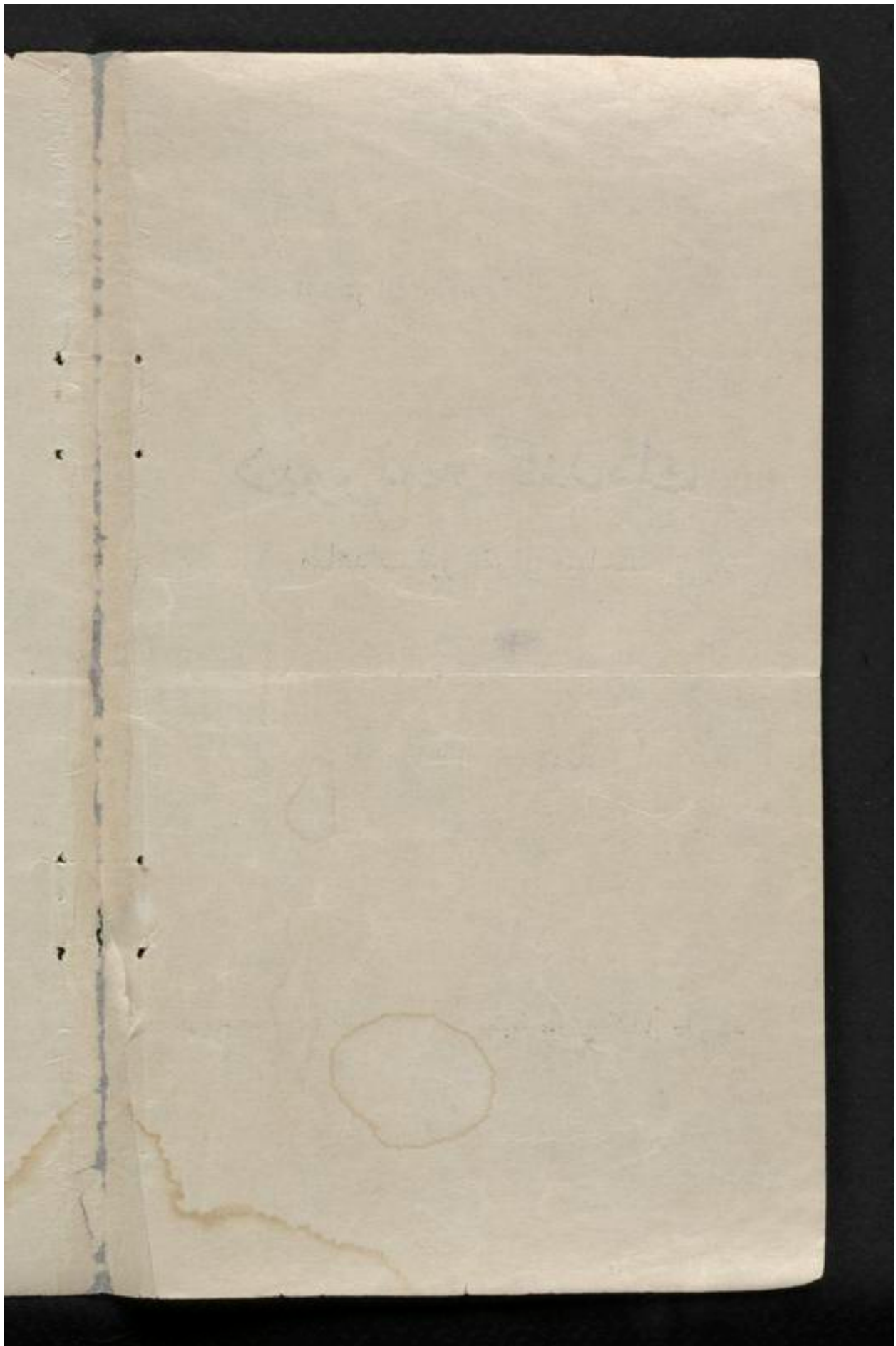
نیورند و گندمک

معاهدات غیر حقوقی میباشند

نویسنده

دکتر عبدالحمید طیبی

تاریخ طبع ۱۳۳۲ ش در مطبعة عدوی کابل چاپ شد



دیورند و گندملی

معاهدات غیر حقوقی میباشند

خوشبختانه امروز ما در عصری زندگی می کنیم که دنیا به مقررات حقوق بین المللی تا اندازه احترام می کند .
پرنسپ های حقوق دول که زاده مناسبات دولتهاست امروز بیشتر از گذشته مورد اعتبار قرار می گیرد - ماده ۳۸ ستاتوی محکمه بین المللی هاگک دنیا را به احترام پرنسپ های حقوق بین المللی توصیه می کند و نیز این ضروریات اساسی عمومی یوان را در سال ۱۹۴۸ وادار ساخت تا تصویب کند کمیسیون حقوق بین الدول فوری تاسیس و برای تنظیم و تدوین کنوانسیون های بین المللی به اساس پرنسپ های متداول آغاز بکار نماید .
در زمره پرنسپ های حقوق بین المللی یکی هم « حقوق معاهدات » است که در سال گذشته روی آچنده کمیسیون حقوق قرار داشت و حقوقدان معروف و بزرگ انگلیس پروفیسر لانا ساخت موظف گردید تسوید کنوانسیون را در زمینه رتیب دهد . لانا ساخت کار تسوید را تازه خاتمه داده و نسخه از کاروی نظر به تماسی که من با کار کمیسیون درین چند سال دارم قبل از نشر بن سیرده شد - که اکنون میخواهم درباره دو ماده این کنوانسیون که از طرف بزرگترین قانوندان انگلیسی

(۴)

ترتیب یافته است صحبت نموده و معاهدات دیورندو کنند مک را در روشنی آن مطالعه نمایم .

در قرن ۱۹ هنگامیکه برطانیه اکلر تسخیر هند را تکمیل کرد و به کناره‌های اندوس و جوار خاکهای افغانی رسید بنای آنرا گذاشت تا از فرصت خانه جنگی های داخلی افغانستان استفاده نموده مطالب خود را بیش ببرد در همین وقت است که انگلیس ها در امور داخلی مباحث حق مداخله نموده و حکو منهای وک و توری با زور و تهدید و دسایس مختلف بعضاً به امضای معاهداتی با حکمرانان ما می پرداختند در زمرة این معاهدات دو معاهده یعنی کندمک و دیورندو که اولی در فروری ۱۸۷۹ و دومی در ۱۸۹۳ به امضا رسید بیشتر قلب و روح ملت افغان را جریحه دار ساخته و تقریباً یک قرن است که منتج به خونریزی شده و ملت ما را همیشه نتایج آن ناقرار داشته است .

در زمرة مواد کنوانسیون مرتبه یروقیسر لاتا یاخت دو ماده آن قابل تدقیق است اول ماده که میگوید :

« معاهدات تحمیلی یعنی معاهداتی که در اثر قوه و یا در اثر استعمال زور و تهدید بالای دولتی انفاذ یابد قیمت ندارد »
دوم ماده ۱۶ که متذکر است :

« یک معاهده نوین هیچگاه نمی تواند قابل قبول نیست اگر مقررات آن از تعهدات یک معاهده سابقه که طرفین متعاقبین محتویات آنرا تا هنوز بعهده داشته باشند بطلو تهی نمایند . »

ترتیب این دو ماده بعد از ریسرچ عمیق حقوقی و مطالعه صدها سند عملی از طرف لاتا یاخت صورت گرفته که اگر به اساس آن

(۵۰۰) جلد اداره انیس دیورندو کندمک ب معاهده میان جیورجان و تاج محمد رجبعلی ۲۸ ار ۱۳۲۳

(۲)

چگونه نگین معاهدات دیورند و کنند مک را مطالعه کنیم غیر
حقوقی بودن آنها واضح خواهد شد .

در سال ۱۸۷۸ بود که انگلیس ها به بهانه اینکه امیر شیر علی خان
با روسها دوستی را گذاشته است قوای خود را سوی
افغانستان فرستادند که این قوای مقدماتی در ۲۱ سپتامبر ۱۸۷۸
در علی مسجد معطل شد ولی انگلیس که قبلاً آمادۀ شوقیات
بر رک عسکری بر ای اشغال افغانستان و تحمیل معا هـ مـ دـ
اجباری شان بود در نوامبر ۱۸۷۸ از راه قند هاره کرم
و خیبر داخل افغانستان شدند .

چون امیر شیر علی خان درین فرصت بدوود حیات گفت
انگلیس ها امیر یعقوب خان را زیر تهدید گرفته و معا هـ مـ دـ مک
را با لایش امضا نمودند و چون این معا هـ مـ دـ زیر تهدید نظامی
و بدون آگاهی و اطلاع ملت بعمل آمده بود قوای ملت افغان
بنای شورش را گذاشته و امیر از ترس غضب ملت خود را به
دشمن تسلیم کرد و نماینده انگلیس مقیم کابل کیوناری و همکارانش
از خوف انحصار نمودند که انگلیس به مداخله ثانی عسکری
پرداخت . این خونریزی و طغیان ملی که در سال امضای معا هـ مـ دـ
بوقوع پیوست اجباری بودن معا هـ مـ دـ را واضح می سازد که نظر
به پرنسپل لاتایاخت غیر حقوقی بودن معا هـ مـ دـ کند مک را
اثبات می کند .

به مانند آن معا هـ مـ دـ دیورند با تهدید متواتر انگلیس ها بالای
امیر عبد الرحمن خان تحمیل شد زیرا امیر خودش در کتابش
می گوید که هر چند خواست مذاکرات معاهدات سرحدی را

(۵۰۰) جلد اداره ایس دیورند و کنند مک به محرر مضامین شیرجان خان محمد رحیم علی ۱۳۲۹

(٤)

معطل کند موفق نشد و وایسرای هند پیوسته به الایش فشار می آورد.

همچنین امیر در کتاب خویش متذکر است که نامه وی راجع به قبایل سرحدی و عواقب وخیم آن برای طرفین ناشنیده انگاشته شد. و از یاد داشت های امیر واضح میشود که پیشنهادات مذاکرات معاهده دیورند همیشه شکل تهدید و التیماتوم را دارا بود که در صورت انصراف و مداخله نظامی انگلیس حتمی مینمود. امیر نقشه تقسیم سرحد را تازنده بود امضا نه کرد و در تمام حیات خویش با تمام پشتونهای ورای اندس در تماس بود و آنها نیز را برادر و پسر وای خویش میشمردند.

چون شبهه باقی نمانده است که هر دو معاهده روی تهدید بعمل آمده نظر به پیرنسیپ تسوید کنوانسیون متذکره قیمت خود را از دست میدهند. حالا نظریه ماده شانزدهم کنوانسیون که صحیح بودن يك معاهده قبلی قابل نقاذا را قیمت میدهد صحیح میکنیم.

معاهدات گندمك و دیورند به اساس این پیرنسیپ نیز غیر حقوقی میباشد زیرا هر دو معاهده مغایر معاهده مارچ ۱۸۵۵ است که بین انگلیس و امیر دوست محمدخان به امضا رسیده بود.

انگلیس ها درین معاهده متعهد شدند که تمامیت خاک افغانستان را فراهم کنند و در زمان مذاکرات همین معاهده بود که غلام حیدر خان فرزند امیر دوست محمدخان ادعای حق زمین های از دست رفته ماورای اندس و زمین های کوچی را نمود انگلیس ها در ۱۸۵۶ یکبار دیگر محتویات معاهده متذکره را تأیید نمودند و نیز در هنگام مذاکره با امیر شیر علی خان

(۵)

در ۱۸۶۴ این معاهده را که مبنی بر احترام تمامیت خاکهای افغانی بود معاهده قطعی و آخرین وانمود کردند که البته معاهدات کنند مک و دیورند چون مخالف روح این معاهده بوده وانگلیس آنها همیشه قابل احترام وانفاذ وانمود میکرد - غیر حقوقی باید دانسته شود .

مطلب من از تشریحات متذکره چیز دیگری نبوده جز اینکه عرض نمایم معاهدات دیورند و کنند مک اصلاً نظر به مقررات منداول حقوقی غیر قابل اعتبار می باشد و ضرورتی نمی بینم که درباره انتقال حق این معاهدات بدولت دیگری که بحث کاملاً جدا گانه علمی بوده و علاوه بر لاتیناخر - علمای بزرگ دیگری از قبیل اوین هایم - جن فرانسوا اثرات تقه و قیمنداری دارند در اینجا داخل صحبت شوم - زیرا نظر به تسوید کنوانسیون لاتینا یاخت واضح شد که اصلاً دیورند و کنند مک از ارزش حقوقی بدوراند و البته ضرورتی به بحث حق وراثت که پاکستان آنها جعل کرده دیده نمیشود زیرا بحث این موضوع آنوقتی مورد مباحث است که ما معاهدات متذکره را حقوقی میدانستیم در حالیکه چنین نیست .

از راه قانون سازی

از هنگام بوجود آمدن پاکستان تا امروزه تنها مردم پشتونستان
و افغانستان بلکه تمام ناطقین اوضاع سیاسی به آسانی این حقیقت
و ادراک کرده اند که پیوسته معماران پاکستان در فکر آن
بوده اند تا حقوق ملیه ن پشتون را غصب و شخصیت ملی آنها را
که در دوران هزاران سال چون کوه های شامخ و سر بلند
کشور شان همیشه یا برجها و استوار مانده است تحت عنوان قانون
و حقوق و یا آزادی و یا خلی زیر تاثیر قرار دهند و از بین ببرند .
در حالیکه تاریخ واضح می سازد و صخره های خیر سند است
که ادعای آزادی و استقلال پشتونهای پشتونستان محکوم
بسیار پیشتر از نهضت آزادی هند شروع گردیده بود و روی
همین علت مرکز اداره صوبه سرحد در زمان تسلط برطانیه در دهلی
نی بلکه در پشاور و قوچ داحت زیرا انگلیسها میدانستند که
پشتونهای ماورای هندوس مردمانی اند که از خود تاریخ- کلتور
و معیشت جدا گانه داشته از پنجابی- بنکالی و سیلانی بسیار
متفاوت بوده و نسبت به تمام حصص هند حق اولتر آزادی را
صاحب اند .

یارتی خدائی خدمتگار در سرحد قوت بزرگی داشت و تحت
قیادت خان عبدالغفار خان پیوسته قبل از تقسیم هند فراترهای
بی پایانی دادند .

(۷)

هنگامیکه آوازه تقسیم هند بالاسد و مردم از لیدران
خدائی خدمتگار درباره آینه پشتهوستان سوال کردند جوابیکه
از طرف داکتر خانصاحب برادر خان عبدالغفار خان
در ۲۱ دسامبر ۱۹۴۶ در دهلی داده شد چنین بود :

(پشتهوهای سرحد با سایر قسمتها و اقوام هند کاری
ندارند آنها آزاد و مستقل خواهند شد - هیچ قوه آنها را
مجبور ساخته نخواهد توانست که بدولت دیگری ملحق
شوند) همچنین خان عبدالغفار خان هنگامیکه آوازه
ریفرندم اجباری سرحد بلند شد در ۲۲ جون ۱۹۴۱ در مجمع
بزرگی در (بنو) اعلان کرد که : (ریفرندم به اساس طرفداری
پاکستان و هند نزد وی قیمتی نداشته و با بست این ریفرندم
به اساس طرفداری پاکستان پشتهوستان گرفته شود
زیرا پشتهوهای میخواهند از غلامی برکنار و دولت آزاد و مستقل
داشته باشند) ولی معماران پاکستان که برای غصب حق
پشتهوهای تصمیم گرفته بودند صدای خان عبدالغفار خان و چندین
ملیون پشتهو را ناشنیده انگاشته و در عوض مسئولیت تاریخی
خود را پشت پا زدند و نارامی آینه را بدست خویش تهیه
و ترتیب نمودند - محمد علی جناح مؤسس پاکستان در ۳۰ جون
۱۹۴۸ برای خاموش ساختن و فریب دادن پشتهوهای از مهارت
قانوندانی خویش کار گرفته اظهار داشت :

(پشتهوهای در تشکیل حقوق اساسی پاکستان واحد مستقل
وجد اکانه بوده خودشان به اساس کلتور - تاریخ و عنعنات
صاحب خویش خواهند ماند) این بیانیه برای آب انداختن
بروی آتش سوزان آزادی خواهی مردم پشتهوستان بود - ولی

جلد (۵۰۰) اداره انیس دیورند و کشمکش
معدومینان حیدر خان راج محمد راج علی
۱۹۴۶

(۸)

- دیری ننگ - مذشت که ریفرنندم اجباری نه به اساس پشتونستان و پاکستان بلکه به اساس تسلیم به هند و یا پاکستان آنهم زیر انواع چالهای سیاسی و نظامی عملی شد که برای یارنی خدائی خدمتکار بیگانه راهی که باقیمانده جز عدم حصه گرفتن به رای گیری چیز دیگری نبود - و نیز ۵۰ فیصد نقوس پشتون سرحد از رای دادن انکار ورزیدند بعد ازین رای گیری اجباری که به عملی خلاف حقوق بین المللی و دور از مراعات برنسب سلف دیرمنیش بود گیر و گرفت شروع ولیدران نامی سرحد یکی بعد دیگری با همکاران خویش به زندان سپرده شدند و از آن تاریخ ببعده تا امروز آنچه نصیب پشتونها شد حبس - بمباردمان - تهدید بلاکید اقتصادی و فشارهای نظامی بوده است و آنچه وعده های موسسان پاکستان که پشتونها صاحب خویش خواهند ماند بیاد رفت و به آب شسته شد .

- ولی از هنگام تشکیل پاکستان تا حال هدف اساسی و اولین پیشوایان پاکستانی تشکیل چنان يك قانون اساسی بوده که در آن بتوانند دست و پای مردم پشتون را بسته و صدای شانرا خفه سازند روی این پلان البته بعد از مرور چند سالی که روی تصاویر فونونی که به اکثریت اعضای پاکستان و اقلیت کوچک پشتونها در اسامبله ملی میگذرد نیستی مطلق پشتونستان را بازنجیرهای فونونی خددا خواسته میجوهند تکمیل کنند. تا حال عملی نمودن این کار امر مشکل بود و تمام متخصصین حقوقی پاکستان از اجرای آن عاجز بوده اند زیرا قوت و جنبش آزادی خواهی مردم پشتونستان که نسبت به هر کس بیشتر به حکومت پاکستان معلوم است و خفه ساختن

(۹)

این جنبش امریست بر مشکل و ناممکن، کس را دشوار ساخته
بود تا آنکه با روی کار آمدن حکومت جدید پاکستان
صدر اعظم آن مملکت حاضر شد در صحنهٔ سیاست پاکستان
روایای عجیبی را ولو که با خطر آینده ملی و بین المللی باشد
بازی نماید. یکی ازین روایا دادن پایگاه نظامی یعنی
فروختن حق آزادی مملکت خویش به بکران و دیگری ترتیب
دادن قانونی برای تشکیل پارلمان آن کشور بوده است.
در قسمت اول مطبوعات و جراید دنیا کافی این رول را
تقدیر و حتی مات و نموده یا کسان و نیز روزنامه های معتبر
امریکا به آن اظهار مخالفت نموده و عکس العمل شدید
نشان داده اند. ولی بازی دوم صدر اعظم پاکستان راجع به
یلان تشکیل پارلمانی آن مملکت مضحک تر از اولی بوده
و هنگامیکه متن آن اعلان شد عکس العمل در برلاس
پشتونستان محکوم و آزاد توپ شد. نمود برخی از مبصرین
سیاسی را عقیده بران است که برای خاموش ساختن همین آتش
و غلبان عمومی بوده که پاکستان مجبور شد قید لیدران
سرحدی را از حبس به نظارت تبدیل و زمینه را برای غور
این یلان نامناسب آسانتر سازند.

عجب تر اینکه در تقسیمات خود نه تنها آقای محمد علی برای
پشتونستان محکوم خواسته است در پارلمان آن مملکت جای

(2)

تعیین کنند بلکه پشتوانستان آزاد را که همیشه آزاد بوده
وزیر هیچ نوع سیادت نیست نیز جزو آن فرار داده و در حوزه
انتخابی پاکستان غربی قلمداد کرده است. پشتونهای پشتونستان
محکوم و غیر محکوم میدانند که حکومت پاکستان ما اندیشه
تساح قدم قدم از هر راه برای بلعیدن شان دهان باز نموده
و دلیل واضح آن یکی هم امروز این پلان جدید پارلمانی است
که قبایل آزاد را جزو خاک پاکستان دانسته و ایشان را
به اقلیت اجباری پارلمان میخواهند شامل کنند در حالی که
این اقدام اگر بایبانه مورخه ۳۱ جولائی ۱۹۴۷ محمد علی جناح
که در روزنامه دان نشر شده و دران احترام و آزادی مطلق
قبایل را اصلیشان داده بود مقایسه شود معلوم میگردد که هیچکس
و عده و وعید لیبران پاکستان راجع بحق آزادی پشتونستان
قابل باور و اعتماد نخواهد بود.

درین بیان طوریکه مذکور دادم حکومت پاکستان مطلب
اساسی خود را که برای خفه ساختن صدا و حق پشتونها میباشد عملی
نموده و در شورای ملی یعنی اطاق اول پارلمان از جمله ۳۰۰ کرسی
تنها ۴۱ کرسی را که اقلیت تقریباً ناچیز است برای پشتونستان
تخصیص داده اند چون انتخاب رئیس دولت نظر باین بیان
از طرف مردم و اطاق صورت میگیرد باز هم قوه اداره همیشه

۳۲۹۱۲ رجب ۵۸۱

۱۱۰

22

10

100

• K

4

20

5

2

22

2

5

59

212

11

$$= (2)$$

• • •

—

(۱۱)

بدست بنگالیها و پنجابیها خواهد ماند. و چون رئیس دولت همیشه
حق انحلال پارلمان را صاحب است هر وقتیکه بخواهد یار امان را
منحل و با اکثریتی که در آن دارند به اجراء و انفاذ هر نوع
قانونی علیه مردم پشتونستان خواهند پرداخت .

ولی جای خوشبینی است که هیچ چیزی مردم پشتونستان
را فریب نخواهد داد و مبارزه برای آزادی کامل دوام خواهد
داشت و هیچ نوع سیاسی زیر عنوان قانون و حقوق صدای شان را
خاموش نخواهد کرد و فارمول صدراعظم پاکستان را میدانند
که برای تباهی شان گسترده شده است . و چون میدانند
که عملی شدن این بیان معنی غلامی پشتونها در برابر اکثریت
پنجابی و بنگالی است بقبول آن تن در نخواهند داد .

و پاکستان موفق نخواهد شد که ۷ میلیون قوت زنده و باصلاحیت
آسیارا از راه قانون قازی محدود و نابود سازد .



۴۲۹۹۱۲
جانب اولی
چند چنان و تاج محمد
محمد رفیقان
ب کیندک و دیورند
جلد اداره انیس
(۵۰۰)

